

اعلامیه حزب ملت ایران - ۲۲ مرداد ۱۳۷۷

افغانستان را دریابید

هم میهنان

از افزون بر چهار سال پیش، افغانستان جنگ‌زده که می‌رفت با اتحاد نیم‌بند گروه‌های جهادی دارای دولتی فراگیر شود، به‌ناگهان با پی‌ریزی «گروه طالبان» از سوی دولت‌های حجاز و پاکستان و پشتیبانی امپریالیسم امریکا با توطئه‌های تازه‌ای روبرو گردید.

اینواپسگرایان دژ خو که بیشتر از میان به‌وهایگری‌گرویدگان قوم پشتون اجیر شده‌بودند، خیلی زود توانستند در نزد پاره‌ای از مردم سادملوح و به‌تنگ‌آمده از درگیری‌های خونین درازمدت، جای پای برای خود بیابند و به شهرهای جنوبی کشور یکی پس از دیگری دست‌اندازی نمایند.

آنها به‌تدریج با یآوری‌های همه‌جانبه‌ی اربابان بیگانه خود به پیشروی‌های بیشتر پرداختند و حتی شهرهایی چون قندهار و هرات و سرانجام کابل را نیز اشغال کردند.

در آغاز امید می‌رفت دولت قانونی افغانستان و نیروهای جنگ آزموده‌ی آن که خیلی زود خط دفاعی دیگری در بلندی‌های شمالی شهر مرکزی کشور پدید آورده‌بودند، بتوانند شکست‌ها را جبران کنند و مردم را از زیر سیطره‌ی سرکوبگران بیگانه‌پناه برهانند.

با دریغ فراوان چنین نشد و «گروه طالبان» با بهره‌برداری از نفاق‌های درونی هواداران دولت قانونی به پیروزی‌های تازه‌ای رسیدند و یکبار هم توانستند به شهر مزار شریف دست یابند و سیل خون راه بیاندازند ولی باز ناگزیر از عقب‌نشینی گردیدند.

از چند ماه پیش با پادرمیانی‌هایی، درگیری‌ها رو به کاهش نهاد و آرامش نسبی در جبهه‌ها برپا بود و اندک گفت‌وگوهای نیز برای برقراری صلح انجام گرفت که ناگاه با زمینه‌چینی‌های فریبکارانه‌ی سلطه‌جویان آزمند، «گروه طالبان» با همگامی آشکار یگان‌های زبده‌ای از ارتش پاکستان به تهاجمی سراسری پرداختند و سرانجام شهرهای کوچک و بزرگ شمال کشور از جمله قندوز و میمنه و شیرغان و مزار شریف و تالقان و سپس پل‌خمري و حیرتان را در زدوخوردهای خونباری به تصرف درآوردند و به مرزهای تاجیکستان و ازبکستان نزدیک شدند؛ گرچه جنگ سختی در جاده تاشقرغان به سمتگان و تنگه‌هایی که به دره پنجشیر می‌انجامد دنباله دارد.

با این‌همه دولت قانونی افغانستان به رییس‌جمهوری استاد برهان‌الدین ربانی و نخست‌وزیری گل‌بدین حکمتیار و وزیر دفاعی احمد شاه‌مسعود، قهرمان نبردهای میهنی، با دیگر همکاران خود از همه‌ی قوم‌ها در درون کشور به‌سر می‌برند و در همه کوه‌ها و دشت‌ها و نیز شهرهای استان‌های بدخشان و بامیان سرسختانه پایداری می‌کنند و بی‌گمان مردم غیرت‌مند هرگز به قشری‌ترین شکل فرمانروایی دینی که بویی از انسان‌گرایی نبرده است، تن در نخواهند داد.

در این میان نباید فراموش کرد که «گروه طالبان» با سنگوارگی بی‌مانندی به هر جا دست‌یافته‌اند به نسل‌کشی قومی و چپاول آغاز و زنان را خانه‌نشین کرده و کودکان و مردان بسیاری را به اسیری برده و به هیچ‌وجه پروای حیثیت ذاتی بشر را نداشته‌اند و ناخشنودی همگانی را پدیدآورده و هم‌اکنون در گوشه‌وکنار با خیزش‌های خودجوش مردم رودرو هستند.

در این گیرودار، سرمداران جمهوری اسلامی که به‌هر روی بر دل ایران‌شهر حکمروایی و وظیفه‌های تاریخی بر عهده‌دارند در پشتیبانی از مردم بلازده‌ی افغانستان که پاره‌تن ملت ما هستند، بسیار کوتاهی کرده و گاه با آنها دشمنی هم ورزیده‌اند.

سرمداران جمهوری اسلامی که به‌رغم داعیه‌های بسیار در کار کشورداری فرومانده‌اند، به‌ویژه در پی شکست ارتش سرخ و سپس سرنگونی سامان کمونیستی در افغانستان با غرض‌ورزی‌های بیمارگونه و دخالت‌های نابجا از استواری دولت ملی با همه‌ی اسلام‌باوری نمایان، جلوگیری نمودند و با پیدایی فتنه «گروه طالبان» در آن سرزمین به خون‌تپیده‌ی سیاستی دو پهلو، کج‌دار و مریز و جفاآمیز در پیش‌گرفتند و حتی با نورسیدگان انحصارگر و برانگیزندگان ایشان به نشست‌وبرخاست و گفت‌وشنود روی آوردند.

در همین روزهای پیش از واپسین یورش «گروه طالبان» زیر عنوان تشنج‌زدایی که سرفصل سیاست خارجی دولت کنونی است چه بسیار آمدورفت‌های شک‌برانگیزی میان پایوران جمهوری اسلامی و کاربدستان حجاز و پاکستان رخ داد و روشن نمی‌باشد چه قرارومدارهایی گذارده‌شده تا این‌همه بی‌تفاوتی در برابر خدشه‌دار گردیدن کیان ایرانی را به‌بار آورده است.

اینک در بخش بزرگی از افغانستان با داشتن هشتصد و پنجاه کیلومتر مرز قراردادی با ایران کنونی، کسانی بر اریکه‌ی قدرت نشسته‌اند که در خردگریزی بی‌همتا و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان از ضربه‌های بعدی آنان به سود و صلاح ملی کشور در امان بود.

درنگ بیش از این روا نیست و باید از سرمداران جمهوری اسلامی خواست فراتر از آوازه‌گری‌های بی‌پشتوانه پیرامون ربوده‌شدن و گروگان‌گیری یازده تن از کارگزاران کنسولگری ایران و یکتن خبرنگار ایرنا در مزارشریف برای رویارویی با این خطر بزرگ که آینده‌ی میهن را تهدید می‌کند به چاره‌گری جدی پردازند و در این راستا:

- باید از شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد خواست که بی‌درنگ در افغانستان آتش‌بس برپا دارند و ارتش پاکستان را به ترک این کشور وادارند.

- باید برای همیشه اندیشه‌ی کنار آمدن و برقراری هرگونه تماس با گروه طالبان را از سر به‌درکرد و از شناسایی دولت پوشالی‌ای که ساخته‌اند خودداری نمود.

- باید رابطه‌های سیاسی و اقتصادی را با کشور استعمار ساخته‌ی پاکستان که به کانون ضدایرانی بدل گردیده‌است به کمترین سطح پایین آورد.

- باید با همه‌ی توان و از هر راه ممکن به دولت قانونی افغانستان که اکنون به تنگنا افتاده است کمک‌های بسنده رسانید.

- باید به همه‌ی مردم آوارشده‌ی افغانستان از پیر و جوان در هر کجا هستند پناه داد تا به ایران کنونی بیایند و همچون شهروندان آسیب‌دیده مورد پذیرایی قرار گیرند.

- باید به همه‌ی ایرانیان آزاده، به همه‌ی سازمان‌های سیاسی ملت‌گرا و کارشناسان آرمان‌خواه فرصت داد تا با برپایی گردهمایی‌ها و پدیدآوردن ستادهای بایسته، همه‌گونه کمک‌های مردمی را دریافت و برای دولت قانونی افغانستان گسیل دارند.

دبیرخانه حزب ملت ایران